

فردا تولدِ آرَش است. همه ی بچه های کلاس می خواهند به جشن او بروند اما نمی دانند چه هدیه ای برای او تهیه کنند. اول فکر کردند که برای او لباس بخرند. امین گفت: آقا جواد کفّاش است. او در بازار دُگان دارد. بچه ها گفتند: فکر خوبی است. آن ها از قلک خود سکه هایشان را آوردند تا برای آرَش کفّاش بخرند. آرَش با دیدن کادو و نقاشی زیبایی که بچه ها برای او کشیدند تشکر کرد.



دُكَّانَ نَجَّارِ نَجَّارِي كَفَّاشِ كَفَّاشِي قَنَادِ قَنَادِي

تَشْكُرُ بِنَا بِنَا أَوَّلَ بِيحَةَ بِيحَةَ بَرَّهَ بَرَّهَ آرَهَ آرَهَ مَدَّتِي مَدَّتِي

أَمَّا دَرَّهَ پِلَهَ پِلَهَ قَلَهَ قَلَهَ سِلَهَ سِلَهَ مَكَهَ مَكَهَ دِقَّتِ دِقَّتِ مَدَّتِ مَدَّتِ

قَلَّكَ خَفَّاشِ خَفَّاشِ تَوَلَّدَ تَوَلَّدَ تَوَجَّهَ تَوَجَّهَ مَرَبَا مَرَبَا مَجَلَهَ مَجَلَهَ مَرْتَبَ مَرْتَبَ

بَقَالَ جَدِّي مَوْفَقِ مَوْفَقِ

قَلَهَ يِ دَمَاوَنَدِ آرَهَ يِ تِيَزِ

